

ارزیابی تأثیرات مؤلفه‌های عملکردی مدیریت شهری بر توسعه فضایی متوازن شهر یاسوج

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۳/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۳/۰۷/۰۹

محمدرضا رضایی* (استاد گروه جغرافیا، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

فرزاد بابکان پور (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد،

ایران)

احمد استقلال (استادیار گروه شهرسازی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران)

محمدحسین سرایی (استاد گروه جغرافیا، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

سیدعلی المدرسی (استاد گروه سنجش از دور و جی‌ای‌اس، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مدیریت شهری و تأثیر مؤلفه‌های آن در فرآیند توسعه فضایی شهر یاسوج صورت گرفته است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی است. در بخش میدانی از پرسشنامه ۳۹ گویه‌ای محقق ساخته بهره گرفته شده است که روایی آن به روش صوری و محتوایی (نظر اساتید و خبرگان) تأیید گردید و پایایی آن نیز به روش آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ تعیین شد. جامعه آماری پژوهش؛ خبرگان، مدیران، کارشناسان و متخصصان نهادهای دولتی و عمومی است که نمونه مورد نظر با روش خوشه‌ای و به صورت هدفمند با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان به تعداد ۱۴۸ نفر تعیین شد. در نهایت داده‌های گردآوری شده با مدل‌سازی معادلات ساختاری و به کمک نرم‌افزار spss و Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین مؤلفه‌های بعد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، مؤلفه صادق بودن شهرداری با مردم در دادن اطلاعات و اخبار درست و آگاهی بخشی به آن‌ها در ارتباط با مسائل و سیاست‌های اداره شهر، در بعد برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری بالاترین میزان میانگین مربوط به مؤلفه مراجعه برای تنظیم شناسنامه به‌منظور تعیین وضعیت مقاومت ساختمان‌ها در برابر بحران‌های طبیعی نظیر زلزله و در بعد عملیاتی امور اجرایی و خدماتی مؤلفه ایجاد محل‌های مخصوص تخلیه زباله بالاترین میانگین را در بین سایر مؤلفه‌ها دارا بود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت شهری، توسعه فضایی، معادلات ساختاری، شهر یاسوج.

مقدمه

جهان در حال تبدیل شدن به مکان‌های شهری است (درخشانی نسب و کریمی، ۱۳۹۸: ۲) به طوری که ۵۴ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری سکونت دارند و انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۵۰ حدود ۶۰ درصد افزایش یابد (UN-Habitat, 2016: 12). این روند افزایشی رشد جمعیت و توسعه شهری تأثیرات مختلفی بر محیط شهری داشته است (Porio, 2014: 252)، به طوری که با جهانی شدن شهرها و شهری شدن جمعیت جهان و توسعه روزافزون شهری، مسائل شهری، شهرسازی و شهروندی به مهمترین مسائل مؤثر بر ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان تبدیل شده است (طالشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۸). در واقع بروز انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ و ۱۹ تحولات بزرگی را در عرصه شهرها به وجود آورد و موجب تغییرات عمیق‌تر در اندازه شهرها، نسبت جمعیت ساکن در آن‌ها و آهنگ رشد شهرنشینی گردید (منتظر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۸). بدین ترتیب از یک سو، در قرن اخیر به سبب رونق شهرنشینی و افزایش میزان اشتغال در بخش صنعت و خدمات در شهرها، مهاجرت به سوی شهرها افزایش یافت، که این امر منجر به گسترش فیزیکی - کالبدی شهرها شد و در بیشتر کشورهای در حال توسعه این گسترش کالبدی به صورت بی‌ضابطه و بی‌برنامه اتفاق افتاد، در نتیجه بهترین و مرغوب‌ترین اراضی کشاورزی اطراف شهرها به زیر ساخت و سازهای بی‌رویه رفت. از سویی دیگر به علت رعایت نکردن اصول و مقررات شهرسازی، هزینه‌های زیرساختی و خدماتی به طور فزاینده‌ای افزایش یافت. کنترل و هدایت چنین توسعه‌ای نیاز به مدیریت بهینه توسعه شهری با رعایت اصول و معیارهای توسعه پایدار دارد (Zhao, 2010). چرا که مسئله توجه به ساختار فضایی شهر و یافتن راه‌حلهایی برای کنترل و هدایت تحول شکل شهر اهمیت فراوانی دارد؛ ساختار فضایی ناکارآمد باعث پراکنده شدن کاربری‌های مختلف و مرتبط با هم شده و همچنین منجر به هزینه‌های بیشتر برای مبادلات، به دلیل مبدا و مقصد (مردم و مکانها) می‌شود (وارثی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲). باید اذعان کرد که شهرنشینی سریع و رشد بی‌رویه شهر از بزرگترین چالش‌های قرن حاضر محسوب می‌شود که مشکلات پیچیده‌ی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را سبب شد (سامی و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۴). بنابراین به منظور دستیابی به توسعه موزون، متعادل و پایدار شهری استفاده از ظرفیت‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی موجود در درون محدوده قانونی شهرها و تعادل بخشی به استقرار جمعیت و جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهرها (توسعه درونی) و همچنین فراهم کردن امکان زندگی سالم، ایمن و استاندارد برای بخش قابل توجهی از جمعیت شهری اجتناب ناپذیر است که باید سعی کرد، عوامل مؤثر بر توسعه پایدار شهری را شناسایی کرد (درویشی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۲).

در این زمینه، توسعه فیزیکی و رشد جمعیتی شهرهای ایران نیز تا چند دهه پیش دارای افزایشی هماهنگ و متعادل بوده است. با بروز تحولات جدید، شهرها به ویژه شهرهای بزرگ، به سرعت تغییرات و دگرگونی‌هایی را پذیرفتند. این دگرگونی‌ها به شکل افزایش سریع جمعیت و گسترش فیزیکی شتاب‌آمیز شهرها و به شکلی نامتعادل و ناهماهنگ بوده است. اگرچه شهرها دارای گسترش فیزیکی وسیعی بوده‌اند، اما در قالب این گسترش فیزیکی وسیع نیز، تعادل برقرار نبوده و سطح زیرساخت شهری بیش‌تر تحت تسلط ساختمان‌های مسکونی بوده است. در واقع بین کاربری‌های شهری و اختصاص زمین و سرانه‌های شهری متناسب هریک، تناسب معقولی برقرار نبوده است. تحولات اخیر که در سطح اقتصادی و اجتماعی انجام گرفته شد، توسعه فضایی شهرها را به شدت تحت تأثیر خود قرار داد. گسترش بخش خدمات و همچنین تمرکز صنایع و کارخانه‌ها در شهرها، موجب جذب افراد بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک به طرف شهرهای بزرگ شده است. اصلاحات ارضی دارای تأثیری غیر مستقیم اما شدید بر گسترش شهرها بوده است. مهاجرت روستاییان به شهرها نقش مهمی در ایجاد تراکم و ازدحام بیش از حد شهرها داشته است. به طوری که در حال حاضر بسیاری از تلاش‌هایی که برای بهبود وضعیت و هدایت و کنترل تحول و توسعه فضایی شهر انجام گرفته، بی نتیجه مانده است. به طور کلی شهر به عنوان یک منبع توسعه مطرح است و جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه‌های شهری نقش بسیار مهم و تعیین کننده دارد (فیروزبخت و همکاران، ۱۳۹۱: ۳) چرا که بین مدیریت شهری و توسعه پایدار شهری رابطه تنگاتنگی و متقابلی وجود دارد (رهنمایی و پورموسوی، ۱۳۸۵: ۱۷۸). نظام مدیریت شهری عبارت است از سازمان گسترده متشکل از نظام مجزا رسمی و غیررسمی ذی‌ربط و مؤثر در حیطه‌های مختلف اجتماعی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، هدایت و کنترل توسعه همه جانبه و پایدار شهر. مدیریت شهری یعنی برنامه‌ریزی کنترل شده برای دستیابی به کارآمدی و برابری توسعه شهری. مدیریت شهری تنها مدیریت تأسیسات و سازمان‌های شهری نیست، بلکه مدیریت فرآیند شهرنشینی، توسعه شهری و انجام امور شهری است به گونه‌ای که تأسیسات شهری با هم هماهنگ کار کنند که کارآمدی واحدهای فضایی شهر (شهر پویا) در سطوح مختلف نظام و بخش‌های شهری به روش دل‌خواه و در جهت توسعه پایدار حفظ شود. به این ترتیب ناهماهنگی فضایی در استانداردهای زندگی بین مناطق شهر باید با مدیریت بهینه شهری تا حد ممکن حذف و تعدیل شود (مرادی‌مکری و حیدری‌کیا، ۱۳۹۷: ۱۰۰). هدف تئوریک و کلان سیستم مدیریت شهری و شهرداری‌ها تقویت فرآیند توسعه پایدار شهری است، به نحوی که زمینه و محیط مناسب برای زندگی راحت، امن و کارآمد شهروندان به تناسب ویژگی‌های آنان و جامعه مربوطه فراهم شود و همچنین تأکید

اصلی مدیریت شهری بر اتخاذ سیاست‌های مناسب در بخش‌های راهبردی برای ظرفیت سازی و توانبخشی در سطوح محلی به جای اجرای پروژه‌های عظیم عمران شهری است (رضویان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰).

شهر یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویر احمد به دلایل سیاسی، امنیتی و به منظور اسکان جمعیت کوچ رو و ایجاد پایگاهی برای استقرار ادارات و سازمان‌های دولتی در سال ۱۳۴۴ ایجاد شده است (مجیدی، ۱۳۷۱: ۱۱۷). گسترش فضایی- کالبدی سریع شهر باعث متصل شدن روستاها و مناطق اطراف به شهر شده است. شهری که با اصول شهرسازی ساخته می‌شود بی‌شک باید دارای نظامی اصولی، موزون و گسترش کنترل شده باشد، عدم رعایت چنین مسائلی در روند و جهت گسترش، منجر به ضمیمه شدن مناطق روستایی به شهر شده است که دارای بافتی ناهماهنگ با بافت شهری بوده و مشکلات متعددی را باعث می‌شود. از این رو توسعه فضایی- کالبدی شهر یاسوج که در طی چند سال اخیر بی‌حد و حصر بوده و روستاهایی را نیز به کام خود بلعیده است، نه تنها متناسب با نیازهای اقتصادی- اجتماعی ساکنین و حوزه نفوذ نبوده، بلکه با گسترش سریع کالبد شهر، سطح بسیار زیادی از اراضی اطراف به زیر ساختمان (فضاهای مسکونی) رفته و تعادل زیست محیطی بین سطح شهر و باغات و اراضی کشاورزی را بر هم زده است. مدیریت شهری در شهر یاسوج نیز دارای وظایفی در جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی- کالبدی می‌باشد که عملکرد آن‌ها دارای شدت و ضعف‌هایی می‌باشد. بررسی عملکرد آن‌ها به عنوان سازمان‌های محلی و یا نماینده دولت از یکطرف و از طرف دیگر با توجه به اینکه این مدیران با مردم محلی مرتبط هستند، بررسی و سنجش عملکرد آن‌ها می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل و مشکلات مدیریتی باشند و با همکاری بیش‌تر به افزایش کارایی آن‌ها کمک نمود. بنابراین بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری یاسوج در راستای توسعه فضایی متوازن و پایدار و افزایش میزان کارایی و ارائه راهکار مناسب برای افزایش عملکرد آن‌ها هدف اصلی این پژوهش می‌باشد.

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

از زمان انقلاب صنعتی، نرخ جهانی شهرنشینی، شتاب گرفته است که منجر به افزایش قابل توجه اندازه شهرها، افزایش جمعیت و تشدید مسائل آلودگی شده است (بدر المشرقی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱۴). کارشناسان شهری سازمان ملل متحد معتقدند برنامه‌ریزی و توسعه شهری کشورهای در حال توسعه از مشخصه‌های مشترکی همچون؛ بلندپروازی و غیرواقعی بودن، عدم مداخله امکانات واقعی اجرایی، نبود نظام قانون و ساختار سازمانی منسجم، کمبود منابع مالی و نارسایی مهارت‌ها و دانش فنی و عدم مشارکت شهروندان، چالش‌های کاربری

زمین شهری و عدم انطباق کاربری‌ها و توسعه نامطلوب و نامتوازن شهرها می‌باشد (ثابت‌راسخ، ۱۳۹۴: ۴). در این بین، مدیریت شهری می‌تواند نقش مهمی در کنترل و جهت‌دهی فرآیند توسعه شهری و حل مسائل و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی ناشی از توسعه و رشد فضایی شهرها داشته باشد. در بسیاری از مناطق شهری ایران نیز یکی از مهمترین چالش‌های توسعه متوازن و پایدار، کم توجهی به نقش مدیریت شهری در این جوامع می‌باشد که توجه به آن می‌تواند نقش مهمی در بهبود روند برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار شهری داشته باشد (Wezel et al, 2016: 138).

مدیریت شهری موضوع نسبتاً جدیدی است که به دلیل افزایش شهرنشینی و موجی از برنامه‌های تمرکززدایی در دهه‌های اخیر اهمیت روزافزونی یافته است (Barua et al, 2021: 457). مفهوم مدیریت شهری در تعاریف کل نگر از مفهوم صرف اداره امور شهر فراتر رفته و با مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر مرتبط و نقش فعالی در توسعه فضایی شهر دارد. در این نگرش، تعامل آن با حوزه‌های سیاست، قدرت، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب‌ناپذیر است. اداره یک شهر بدون مدیریت امکان‌پذیر نیست. شهرها با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، محیطی، اقتصادی و کالبدی، نظامی در هم تنیده و متنوع دارند که سطحی از مدیریت و برنامه‌ریزی فراگیر برای دوام خود طلب می‌کنند. مفهوم مدیریت شهری اولین بار زمانی مورد توجه قرار گرفت که در سال ۱۹۷۲ میلادی در کنار مفاهیم دیگری چون توسعه پایدار شهری و پروژه شهر سالم در دستور کار یکی از برنامه‌های توسعه سازمان ملل با عنوان برنامه مدیریت شهری قرار گرفت. مطرح شدن چنین مفهوم و اصطلاحی از مدیریت در قالب مدیریت شهری ناشی از حرکت شیوه مدیریت متمرکز به سمت مدیریت غیرمتمرکز در چارچوب مدیریت‌های محلی‌تر با هدف توسعه شهری به وسیله سازمان‌های محلی است (ماندگاری و همکاران، ۱۴۰۰). در این زمینه مدیریت شهری را می‌توان "تلاش برای هماهنگی و ادغام اقدامات عمومی و خصوصی برای مقابله با مشکلات عمده‌ای که ساکنان شهرها به طور یکپارچه با آن روبرو هستند، برای ایجاد یک شهر رقابتی تر، عادلانه و پایدار" تعریف کرد (Begum & Hasan, 2017: 412) و عبارت دانست از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزا رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه که به منظور ارتقاء مدیریت مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور به اداره امور شهر می‌پردازد (بیگ‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۵). به طور کلی هدف تئوریک سیستم مدیریت شهری، تقویت فرآیند توسعه شهری است به نحوی که در سطح متعارف جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت، امن و

کارآمد شهروندان به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم شود. در قالب این هدف کلان می‌توان سه هدف خرد فراگیر برای تمام سیستم‌های مدیریت شهری به شرح زیر تعیین کرد؛ حفاظت از محیط فیزیکی شهر، تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار، ارتقاء شرایط کار و زندگی کلیه شهروندان با توجه ویژه به افراد و گروه‌های کم درآمد (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۹۰). بنابراین، کارکرد مدیریت شهری کارآمد به‌عنوان یک نهاد مدیریتی فراگیر و درگیر با موضوع‌ها و پدیده‌های بسیار گسترده و متنوع شهر و شهرنشینی ضروری است تا نه‌تنها دستیابی به توسعه پایدار در شهر میسر گردد البته موفقیت و کارایی مدیریت شهری منوط به توجه جدی به شناسایی و تحلیل عوامل محیطی و برون سیستمی و تأثیرات آن‌ها دارد چرا که امروزه مشخص شده است که حل مشکلات شهری شدن سریع در اغلب کشورها فقط با اصلاح رویکردهای سنتی مدیریتی و استفاده از رهیافتهای نوین مدیریتی امکانپذیر است. بنابراین لازمه رفع ناپایداری توسعه شهری در کشورهای درحال توسعه رفع ناپایداری‌ها از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری است (سرای و نوری، ۱۳۹۶).

به لحاظ رویکردی نیز سه رویکرد؛ توسعه پایدار شهری، مدیریت یکپارچه شهری و رویکرد فرابخشی در مدیریت شهری مطرح می‌باشد. در رویکرد توسعه پایدار شهری پایداری شکل شهر، الگوی پایدار سکونت گاه‌ها، الگوی مؤثر حمل و نقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله مراتب ناحیه شهری بررسی می‌کند و شهر پایدار از نظر زیست محیطی شهری است که کم‌ترین مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر، حداقل ضایعات و کم‌ترین تأثیر مخرب بر محیط زیست را داشته باشد و بتواند کارکرد فعلی خود را در دهه‌های آتی به سوی پایداری بیشتر حفظ کند و از لحاظ اقتصادی خودکفا و کارآمد و از لحاظ اجتماعی عدالت محور بوده و به حفاظت زیست محیطی تمام گونه‌های طبیعی کمک می‌کند (رضایی، ۱۳۹۲: ۵۰). در رویکرد مدیریت یکپارچه شهری نیز شهر حاصل کارکرد بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره است و توسعه‌یابی خود را در عملکرد متقابل این بخش‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی می‌یابد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. به عبارتی شهر یک مفهوم یکپارچه و نظام پیچیده‌ای است از خرده نظام‌هایی که در ارتباط مستقیم با یکدیگرند. بنابراین توسعه شهر نیز یک مفهوم یکپارچه است و باید همه مسائل آن را در ارتباط با یکدیگر مورد ارزیابی قرار داد و هر نوع مدیریتی که بخواهد برای شهر تعریف شود لازم است از پیچیدگی‌های این نظام و مسائل مربوط به آن تبعیت کند (اردشیری و یاری، ۱۳۸۵: ۴). در نهایت طبق رویکرد فرابخشی در مدیریت شهری، شهر از تعامل و ارتباط چند جانبه ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، کالبدی و غیره شکل گرفته و تکوین یافته است. شهر نظام بازی است. شهر بیش از آن که محیطی کالبدی باشد، محیطی اجتماعی است و از شرایط کلی

اجتماعی - اقتصادی جامعه متأثر می‌شود. در واقع مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بر کالبد و فیزیک شهر تأثیر می‌گذارد. برنامه‌ریزی در سطح کلان می‌بایست ملاحظات چند بعدی داشته باشد و ابعاد هویتی جامعه هدف را شناسایی و در برنامه‌های خود مدنظر قرار دهد. این ابعاد عمدتاً در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ و جغرافیا و غیره قرار دارند، می‌بایست در عمل در فضای کالبدی جامعه هدف مورد توجه قرار گیرند. دستیابی به توسعه‌ای موزون پیش‌بینی شدنی و پایدار که خود متضمن تغییرات اجتماعی است بدون نگرش فضایی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مفهومی ندارد اما تفاوت موجود بین اهداف برنامه‌ریزی‌های فضایی و واقعیت‌ها به خوبی بیانگر لزوم رعایت الزامات دیگری در تکمیل جریان برنامه‌ریزی است. این گونه برنامه‌ریزی جزء مبانی برنامه‌ریزی کلان به شمار می‌روند. شهر موجودیتی مستقل از خود ندارد و در تعامل و وابستگی به دیگر عوامل به صورت پدیده مکانی - فضایی عینیت یافته است. برای مداخله در شهر باید به این ابعاد تأثیر گذار در شهر توجه شود و آن را با توجه به فضایی ناظر مدنظر قرار داد. اینک برنامه‌ریزی و مدیریت فضایی به یک فعالیت وسیع جمعی و همگانی بدل شده است که می‌بایست به عنوان یکی از نهادهای اساسی جامعه در نظر گرفته شود و جایگاه آن در ساختار مدیریت کلان کشور تقویت و تثبیت گردد (Ghosh, 2014: 57). در ادامه به شماری از مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه در قالب جدول شماره (۱) اشاره شده است.

جدول (۱). پیشینه داخلی و خارجی پژوهش

نویسندگان / سال	عنوان	یافته‌ها
براهویی و همکاران (۱۴۰۰)	بررسی جامعه شناختی تأثیر حاشیه نشینی بر مدیریت شهری (مطالعه موردی: ناحیه کریم آباد شهر زاهدان)	مؤلفه‌های اقتصادی، فیزیکی - کالبدی، خدماتی - زیست محیطی و جمعیت شناختی بر مدیریت شهری شهر زاهدان تأثیرگذار است. در مورد سازوکار بهبود، مدیریت کنترلی شهری و فعالیت‌های فرهنگی و افزایش آگاهی حاشیه نشینان را پیشنهاد داده‌اند.
ماندگاری و همکاران (۱۴۰۰)	نقش شهرداری‌ها در توسعه شهرها با رویکرد توسعه پایدار	امروزه شهرها به عنوان مصرف کننده و توزیع کننده اصلی کالاها و خدمات جهت کاهش مشکلات، کانون توجه بحث پایداری شده اند. بنابراین به یک مدیریت بهینه جهت ایجاد عدالت به نحو مؤثر، ایجاد آرامش و آسایش، خدماتی، اجتماعی، فرهنگی روحیه مشارکت شهروندان نیازمندند.
صالحی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰).	جایگاه مدیریت شهری در رشد هوشمند شهری	شهر به عنوان یک منبع توسعه مطرح است و جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاههای شهری نقش بسیار مهم و تعیین کننده دارد.

حقی و کرمی نسب (۱۳۹۹)	بررسی میزان رضایت‌مندی شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و شورای شهر (مطالعه موردی: شهر گرمی)	بیشترین رضایت‌مندی شهروندان از عملکرد شهرداری و شورای شهر در بعد کالبدی - زیست محیطی و سپس ابعاد اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی در رده بعدی قرار گرفته‌اند.
زیاری و همکاران (۱۳۹۹)	تحلیل عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب از منظر شهروندان (مورد مطالعه: شهر ساری)	برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مدیریتی الزام است که مسئولین شهری زمینه مشارکت شهروندان را فراهم کنند. نتایج عدم رضایت شهروندان بیان میکند که در این رابطه مسئولین شهری باید با به کارگیری نظرات افراد در عرصه مدیریتی و سیاست‌گذاری‌ها، زمینه را برای افزایش رضایت از زندگی در شهر را فراهم نمایند.
خاکپور و همکاران (۱۳۹۷)	ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری اجتماعی - فرهنگی محلات شهر پیرانشهر (با توجه به زیرگروه‌های جمعیتی)	عملکرد نامناسب مدیریت شهری باعث ناپایداری محلات شهری شده است.
نصراللهی (۱۳۹۷)	نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار شهری با تأکید بر جایگاه شهرداری‌ها	ارتقاء مشارکت شهروندی، تمرکز زدایی فعالیت‌ها، ایجاد مدیریت یکپارچه شهری، افزایش اعتماد شهروندان، آگاه سازی و آموزش شهروندی از جمله فعالیت‌های مؤثری است که شهرداری‌ها در راستای تحقق توسعه پایدار شهری می‌توانند بکار گیرند.
(Hegazy et al, 2021)	ارزیابی رشد شهری جده: به سمت یک مدیریت شهری قابل زندگی	گسترش نامطلوب شهر جده سبب تحولات بی‌رویه در حاشیه، خدمات شهری نامناسب، افزایش قیمت زمین و هزینه‌های ساخت و ساز، افزایش زاغها و کاهش کیفیت محیط شهری شده است که می‌بایست با ارائه سیاست‌های جدید، رشد شهری را محدود و کنترل و نهایتاً ایجاد سیستم مدیریت شهری پایدار را در استراتژی‌های توسعه شهر گنجانند.
(Barua et al, ۲۰۲۰)	مدیریت شهری در بنگلادش (قوانین و مقررات)	افزایش ناامیدی از مدیریت نامنظم شهری باعث نگرانی نهادهای در مورد برنامه‌ریزی مناسب برای توسعه شهری در راستای مقابله با مشکلاتی مانند؛ ازدحام جمعیت، آلودگی، کمبود امکانات رفاهی، تمرکز جمعیت در کلانشهرها، شکل‌گیری حاشیه نشینی و افزایش خشونت شده است. بنابراین راه حل اصلی را تدوین سیاست‌های مناسب حکمرانی شهری و توسعه برنامه‌ریزی شده شهر می‌دانند.
(Hardi et al, ۲۰۲۱)	مدیریت کاربری اراضی به عنوان چالشی برای حاکمیت محلی	گسترش شهرها در مجارستان به یک پدیده غیرقابل کنترل تبدیل شده است که به دنبال آن کاربری اراضی حومه روستایی - شهری به شدت تحت تأثیر قرار گرفته، وضعیت اکولوژیکی

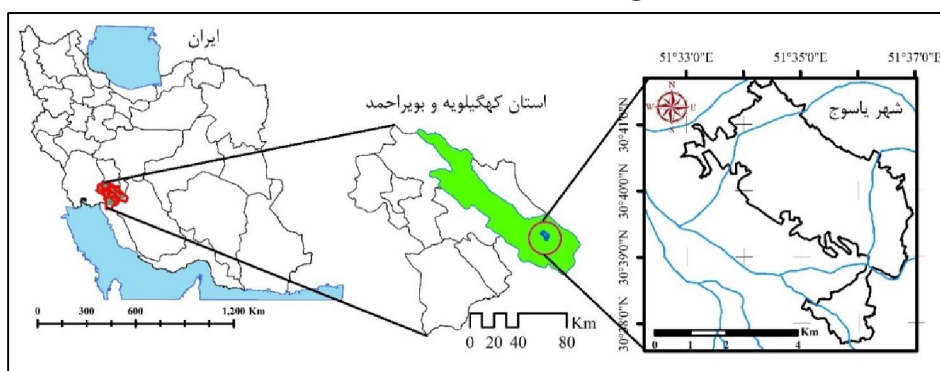
مناطق حومه به طور کلی تخریب شده است که دلیل آن برنامه-ریزی ناکافی، تناقض مقررات و شیوه‌های توسعه شهر است.		
امروزه برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری (UPUM) برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار (SDGS) که توسط ملل متحد تعیین شده‌است، اهمیت بیشتری یافته است. در این زمینه استفاده از داده‌های عظیم زمین-فضایی مبتنی بر مکان، به عنوان یک مرز تحقیق در جامعه زمین فضایی و مطالعات شهری ظاهر می‌شود.	داده‌های بزرگ فضایی برای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری	(Wu et al, ۲۰۲۰)
بررسی طراحی و اجرای استراتژی‌های یکپارچه برای توسعه شهری پایدار (ISUD) و اثرات آنها در دو شهر بارسلون (کلانشهر) و آوورا (متوسط) نشان می‌دهد که (ISUD) در هر دو شهر انگیزه‌ای برای برنامه‌ریزی استراتژیک پایدار است که می‌تواند از طریق مشارکت فعال شهروندان و ذینفعان تقویت شود. اما برنامه‌ریزان شهرهای متوسط در این زمینه با چالش‌های فزاینده‌ای روبرو هستند.	برنامه‌ریزی و مدیریت شهری پایدار و یکپارچه در کلان شهرها و شهرهای متوسط	(Medeiros & Zwet, 2020)

مواد و روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. به طوری که برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای به منظور گردآوری اطلاعات توصیفی در رابطه با مفاهیم اصلی پژوهش از قبیل؛ توسعه فضایی، مدیریت شهری، شاخص‌ها از کتاب‌ها و مقالات استفاده شده است و در بخش میدانی جهت گردآوری بخشی دیگر از داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه ۳۹ گویه‌ای محقق ساخته بهره گرفته شده است که روایی آن به روش صوری و محتوایی (نظر اساتید و خبرگان) تأیید گردید و پایایی آن نیز به روش آلفای کرونباخ بررسی که مقدار حاصل شده بالای ۰/۷ برای مؤلفه‌ها حاکی از پایایی ابزار مورد استفاده است. جامعه آماری پژوهش؛ خبرگان، مدیران، کارشناسان و متخصصان نهادهای دولتی و عمومی است که نمونه مورد نظر با روش خوشه‌ای و به صورت هدفمند با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان به تعداد ۱۴۸ نفر تعیین شده است. نهایتاً داده‌های گردآوری شده با مدل‌سازی معادلات ساختاری و به کمک نرم‌افزار spss و Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. معادلات ساختاری در حوزه‌های متنوع علوم انسانی و به ویژه پژوهش‌هایی که هدف، آزمون مدلی خاص از روابط بین متغیرهاست کاربرد زیادی دارد (Wenwu, 2010: 137). مدل‌سازی مبتنی بر حداقل مجذورات جزئی (PLS) یک رویکرد مدل‌سازی معتدل‌تر نسبت به دیگر مدل‌های معادلات

ساختاری است (Reinartz et al, 2010: 340) که توسط رینگل، وند و ویل^۱ (۲۰۰۵) طراحی شده است.

محدوده مطالعاتی پژوهش شهر یاسوج می باشد که در موقعیت جغرافیایی ۳۰ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. این شهر دارای مساحتی برابر با ۱۸۰۱ هکتار می باشد. از نظر طبیعی بین رودخانه های بشار در جنوب و مهریان در غرب و کوه های دنا در شمال و شرق محصور شده است. شهر یاسوج از سمت شمال و شرق به ارتفاعات زاگرس از سمت جنوب به رودخانه بشار و روستاهای اکبرآباد و نجف آباد، از سمت جنوب غربی به شهرک صنعتی و روستای بلوکو، از سمت غرب و شمال غربی به رودخانه مهریان و روستای مهریان، شرف آباد علیا، شرف آباد سفلی و وسطی محدود می گردد. در شکل (۱) موقعیت شهر یاسوج در ایران و استان کهگیلویه و بویراحمد ارائه شده است.



شکل (۱). موقعیت شهر یاسوج در ایران و استان کهگیلویه و بویراحمد

یافته های پژوهش

در تحلیل توصیفی، داده های جمعیت شناختی گردآوری شده از نمونه آماری پژوهش بر حسب (سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و وضعیت محل کار) با استفاده از ابزارهای توصیفی شامل فراوانی و درصد در قالب جدول (۲) بیان شده است.

جدول (۲). توزیع دموگرافیک نمونه مورد بررسی

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۴۷	۳۱/۸
مرد	۱۰۱	۶۸/۲
تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۴۲	۲۸/۴

¹ Ringle, Wende & Will

متأهل	۱۰۶	۷۱/۶
سن	فراوانی	درصد
۲۵ سال و پایین تر	۶	۴/۱
۲۶ تا ۳۵ سال	۶۲	۴۱/۹
۳۶ تا ۴۵ سال	۴۸	۳۲/۴
۴۶ سال به بالا	۳۲	۲۱/۶
سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
کاردانی یا کارشناسی	۹۴	۶۳/۵
کارشناسی ارشد یا دکتری	۵۴	۳۶/۵
وضعیت محل کار	فراوانی	درصد
شورای شهر یا شهرداری	۴۱	۲۷/۷
استانداری، فرمانداری و بخشداری	۲۴	۱۶/۲
دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش	۳۰	۲۰/۳
بنیاد مسکن و راه و شهر سازی	۱۳	۸/۸
اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی	۹	۶/۱
نیروی انتظامی	۴	۲/۷
دادگستری	۴	۲/۷
سازمان مدیریت و برنامه و بودجه	۷	۴/۷
آب و فاضلاب شهری	۴	۲/۷
سازمان محیط زیست	۶	۴/۱
اداره هواشناسی	۶	۴/۱

مأخذ: نگارندگان

سیاست‌گذاری، خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی بلندمدت در هر سازمانی جزء اصول اولیه است. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، روش‌هایی برای دستیابی به اهداف معین در زمینه‌های مشخص می‌باشد. سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مطلوب در مدیریت شهری از طریق مؤلفه‌هایی همچون؛ تخصیص اعتبارات و پروژه‌ها به شکلی عادلانه بین محلات و نواحی شهری، در نظر گرفتن اولویت‌های محلات و نواحی، ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و مزیت‌های نسبی نواحی مختلف شهر، تعامل شهرداری با شهروندان و همچنین سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در امور مختلف شهری قابل سنجش است. در جدول (۳) میانگین مؤلفه‌های تأیید شده بعد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری مربوط به بررسی عملکرد مدیریت شهری شهر یاسوج ارائه شده است. با توجه به این

جدول مشخص می‌گردد از بین مؤلفه‌های این بعد، مؤلفه صادق بودن شهرداری با مردم در دادن اطلاعات و اخبار درست و آگاهی بخشی در ارتباط با مسائل و سیاست‌های اداره شهر نسبت به بقیه گویه‌ها دارای میانگین بالاتری بوده و ارزش بیشتری را دارا می‌باشد.

جدول ۳. میانگین مؤلفه‌های تأیید شده بعد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری

بعد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری	
میانگین	مؤلفه‌ها
۲/۹۳	شناسایی ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و مزیت‌های نسبی شهر و اطلاع‌رسانی بین مردم جهت جلب سرمایه‌گذاران
۲/۹۴	تخصیص اعتبارات و منابع شهرداری در راستای اولویت‌ها و نیازمندی‌های واقعی عمرانی و خدماتی شهر
۳/۳۱	صادق بودن شهرداری با مردم در دادن اطلاعات و اخبار درست و آگاهی بخشی در ارتباط با مسائل و سیاست‌های اداره شهر
۳/۱۳	تعامل شهرداری و شورای شهر با شهروندان جهت استفاده از نظرات مردم در حل مسائل شهر یا اختصاص پروژه‌های شهری
۳/۰۴	رعایت اصول و ضوابط مرتبط با مسائل زیست محیطی و بهداشتی شهر در ارائه مجوزهای کسب و کار از سوی شهرداری
۳/۰۹	رعایت ضوابط عمرانی مربوط به ایجاد خیابان‌ها، کوچه‌ها و میداين
۳/۱۹	رعایت ضوابط برنامه‌ریزی مربوط به ایجاد فضاهای سبز، ورزشی، آموزشی، بهداشتی توسط شهرداری

مأخذ: نگارندگان

برنامه‌ریزی عبارتست از فرآیند دستیابی به اهداف سازمان. این بعد از مدیریت شهری از طریق مؤلفه‌هایی همانند؛ داشتن برنامه جامع توسعه شهر، تهیه برنامه عمرانی پنج ساله شهر، تغییر کاربری اراضی به کاربری‌های مناسب، شناسایی وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانوارها، تعیین وضعیت مقاومت ساختمان‌ها در سطح شهر و مواردی از این قبیل مورد سنجش قرار گرفته است. در جدول (۴) میانگین مؤلفه‌های تأیید شده بعد برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری مؤثر بر مدیریت شهری شهر یاسوج ارائه شده است. با توجه به نتایج مشخص شد که مؤلفه مراجعه برای تنظیم شناسنامه جهت تعیین وضعیت مقاومت ساختمان‌ها در برابر بحران‌های طبیعی نظیر زلزله نسبت به سایر مؤلفه‌ها میانگین بالاتری دارد.

جدول ۴). میانگین مؤلفه‌های تأیید شده بعد برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری

بعد برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری	
میانگین	مؤلفه‌ها
۳/۱۴	تهیه برنامه عمرانی پنج ساله شهر و اطلاع‌رسانی محتوای آن به شهروندان
۲/۹۷	تغییر کاربری اراضی کارگاهی، امنیتی و نظامی داخل شهر به کاربری‌های مناسب
۳/۲۷	مراجعه برای تنظیم شناسنامه جهت تعیین وضعیت مقاومت ساختمان‌ها در برابر بحران‌های طبیعی نظیر زلزله
۳/۱۶	مراجعه برای شناسایی وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوارها در جهت تولید مسکن متناسب با نیازهای شهروندان

مأخذ: نگارندگان

در سطح اجرایی، سیاست‌ها و برنامه‌های تعیین شده در دو سطح پیشین یعنی بر مبنای سازماندهی و تدارکات مالی، انسانی و فنی مشخص شده، اجرا می‌شود. حوزه امور اجرایی و خدماتی مدیریت شهری شامل بخش‌های عمران شهری، خدمات شهری و خدمات عمومی است. عملکرد اجرایی و خدماتی مدیریت شهری را می‌توان در حوزه‌های مختلفی از جمله؛ توسعه شبکه‌ها و تأسیسات حمل و نقل شهری، ایجاد فضاها و اماکن شهری، زیباسازی و بهبود محیط شهری، ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیزات شهری و مسکن ارزیابی کرد. میانگین مؤلفه‌های تأیید شده بعد امور اجرایی و خدماتی شهری مؤثر بر مدیریت شهری در شکل (۵) ارائه شده است. بر اساس این جدول مؤلفه ایجاد محل‌های مخصوص تخلیه زباله با میانگین ۳/۳۴ بیش‌ترین میانگین رو نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارا بود.

جدول ۵). میانگین مؤلفه‌های تأیید شده بعد امور اجرایی و خدماتی شهری

بعد امور اجرایی و خدماتی	
میانگین	مؤلفه‌ها
۲/۵۱	وضعیت ساماندهی و نگهداری حاشیه مجاری آب و رودخانه‌های شهر
۲/۵۸	ایجاد خیابان‌ها، معابر و میادین جدید شهری
۲/۷۷	وضعیت بهسازی و مقاوم سازی مساکن و محلات قدیمی شهر
۲/۵۹	وضعیت آسفالت سواره روها و پیاده ورها
۲/۷۶	ایجاد و گسترش باغات و فضاهای سبز شهری
۲/۹۲	توفیق در اجرای درست و به موقع طرح‌های عمرانی
۳/۳۴	ایجاد محل‌های مخصوص تخلیه زباله
۳/۰۱	نگهداری از تأسیسات عمومی و اموال و دارایی شهر
۲/۸۶	دسترسی مناسب به مراکز خدمات عمومی (آموزشی، درمانی، تجاری، رفاهی و غیره)
۲/۹۹	وضعیت آماده‌سازی زمین‌های پیرامون شهر جهت هدایت توسعه‌های جدید شهری

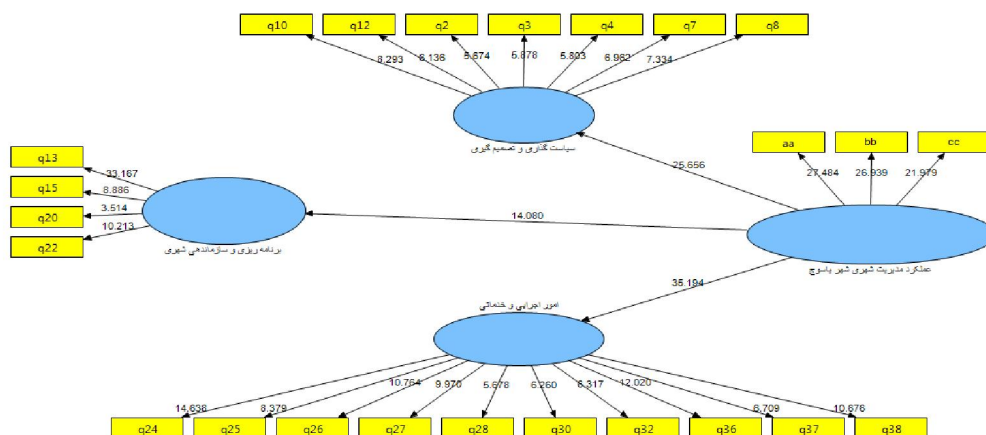
مأخذ: نگارندگان

در پژوهش‌هایی که هدف، آزمون مدلی خاص از روابط بین متغیرها است از روش معادلات ساختاری می‌توان استفاده نمود. مدل‌سازی مسیری (PLS) یکی از روش‌های مدل معادلات ساختاری است. در این پژوهش نیز برای بررسی قدرت نشانگرهای صفت مکنون عوامل مؤثر بر توسعه فضایی ناموزون شهر یاسوج از مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. پس از بررسی وضعیت هر یک از سازه‌ها به صورت مجزا، با استفاده از چارچوب نظری متغیرهای مستقل مؤثر بر روند توسعه فضایی شهر یاسوج در قالب ۳۹ گویه برای دستیابی به متغیرهای مستقل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سازماندهی، امور اجرایی و خدمات شهری و عملکرد کلی مدیریت شهری مورد مطالعه قرار گرفت. بدین منظور از مدل معادلات ساختاری و از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول استفاده شد. دلیل استفاده از تحلیل عاملی به نوع اثرهای علی در مدل انتزاعی پژوهش مربوط می‌شود. در مدل طراحی شده برای رتبه‌بندی اثرهای هر یک از سازه‌ها و بررسی اثر معناداری آن بر روی متغیرهای مستقل عنوان شده در آن بخش از تحلیل عاملی مرتبه اول استفاده شده است. در این روش در صورتی که نتایج به‌دست‌آمده بارهای عاملی متغیرهای مدنظر بالاتر از ۰/۴ باشد مورد تأیید است و در مدل نهایی قرار می‌گیرند و اگر کمتر از ۰/۴ باشد حذف می‌گردند. بر این اساس طبق نتایج به‌دست‌آمده (شکل ۲) بارهای عاملی تأییدی برای متغیر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری ۷ شاخص، متغیر برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری ۴ شاخص و برای متغیر امور اجرایی و خدمات شهری ۱۰ شاخص و عملکرد کلی مدیریت شهری ۳ شاخص مورد تأیید و در مدل نهایی وارد شده‌اند.



شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل مفهومی پژوهش مأخذ: نگارندگان

در ادامه به منظور بررسی معناداری بارهای عاملی متغیرهای پژوهش (آزمون معناداری ضرایب مسیر) با استفاده از روش بوت استراپ^۱ مقادیر آزمون تی-استیودنت محاسبه شد. اگر مقدار t بالاتر از $1/96$ باشد (در سطح اطمینان ۹۵ درصد و در سطح معنی‌داری $0/05$) تفاوت بین شاخص‌ها معنی‌دار خواهد بود و اگر مقدار t بالاتر از $2/58$ باشند با احتمال $0/99$ درصد این تفاوت معنی‌دار خواهد بود (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۶۳). از این رو با توجه به این‌که مقدار آماره t برای همه بارهای عاملی بالاتر از $2/58$ به دست آمده است (شکل ۳)، لذا با احتمال $0/99$ درصد بیش‌تر عامل‌ها و شاخص‌ها دارای تفاوت معنی‌داری می‌باشند.



شکل ۳. نتایج آزمون تی - استیودنت به منظور بررسی معناداری ضرایب مسیر مأخذ: نگارندگان

در ادامه جهت بررسی کفایت مدل، SSE (مجموع مجذورات خطای پیش‌بینی) برای هر بلوک متغیر پنهان و $(1 - \frac{SSE}{SSO})$ نیز شاخص اعتبار اشتراک یا $CV-COM$ را نشان می‌دهد و اگر شاخص واری اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان مثبت باشد مدل اندازه‌گیری کیفیت مناسب دارد.

شاخص رابطه پیش‌بینی مدل (Q^2) قدرت پیش‌بینی مدل در متغیرهای وابسته را مشخص می‌نماید. مدل‌هایی که دارای برآزش بخش ساختاری قابل قبولی هستند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را نیز داشته باشند؛ به این صورت که اگر در یک مدل روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف گردیده باشد، سازه‌ها می‌توانند تأثیر کافی بر شاخص‌های یکدیگر داشته باشند و از این طریق فرضیه‌ها به صورت صحیح تأیید می‌گردند. باید در مورد تمام سازه‌های درون‌زا سه مقدار $0/02$ ، $0/15$ و $0/35$ به عنوان قدرت پیش‌بینی

¹ Bootstrapping

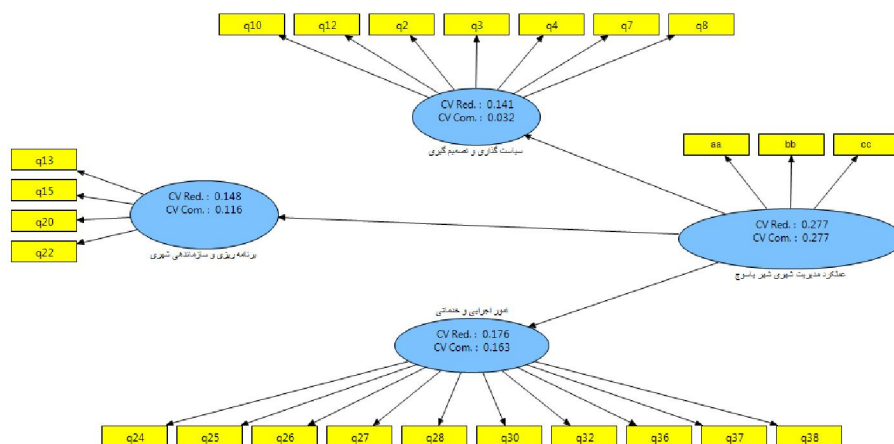
کم، متوسط و قوی تعیین شوند (انتظاری، ۱۳۹۷). بر اساس این معیار، قدرت پیش‌بینی مدل برای امور اجرایی و خدماتی در حد متوسط تا قوی و برای برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری و اجتماعی در حد متوسط تا ضعیف و برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری ضعیف می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۶. شاخص واریس اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان

متغیر	SSO	SSE	$Q^2 = (1 - (SSE/SSO))$
امور اجرایی و خدماتی	۱۴۸۰	۱۲۳۸/۹۱۵	۰/۱۶۲۹
برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری	۵۹۲	۵۲۳/۴۱۶۳	۰/۱۱۵۹
سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری	۱۰۳۶	۱۰۰۲/۷۸۹	۰/۰۳۲۱
عملکرد کلی مدیریت شهری شهر یاسوج	۴۴۴	۳۲۱/۱۴۲۱	۰/۲۷۶۷

مأخذ: نگارندگان

با توجه به جدول (۳) SSO؛ مجموعه مجذورهای مشهاده‌ها برای هر بلوک متغیر پنهان، SSE؛ مجموع مجذور خطاهای پیش‌بینی برای هر بلوک متغیر پنهان و SSE/SSO شاخص اشتراک می‌باشد. اگر شاخص واریس اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان مثبت باشد، مدل اندازه‌گیری کیفیت مناسب دارد. بر اساس نتایج (جدول ۳)، ملاحظه می‌شود که شاخص واریس اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان برای تمام سازه‌ها مثبت است لذا مدل تدوین شده از کفایت نسبتاً مناسب، خوب و قابل قبولی برخوردار است (شکل ۴).



شکل ۴. نتایج سنجش کیفیت مدل اندازه‌گیری

بحث و نتیجه‌گیری

رشد و توسعه، بخش اجتناب‌ناپذیری از مکانیسم تحول در یک سیستم زنده شهری است. پیوستگی و فراگیر بودن این فرآیند، سبب توسعه فیزیکی و تغییرات عملکردی در شهر می‌شود. این دگرگونی‌ها، طیف وسیعی از تغییرات در فضا تا تغییر در الگوی فعالیت و کاربری اراضی را دربردارد که در نهایت می‌تواند ساختار شهر را تحت تأثیر قرار دهد. نمونه قابل توجه از این تحولات را می‌توان در تحولات شهرنشینی ایران مشاهده کرد. دگرگونی‌های اقتصادی- اجتماعی و سیاسی جامعه ایران از دهه ۱۳۰۰ شمسی تا کنون و تبلور کالبدی- فضایی آن در شهرها، به مفاهیم و شکل‌بندی جدیدی در عرصه شهر و شهرنشینی منجر شده‌است که چهره بارز آن، توسعه فضایی نامتعادل شهرهاست. در حقیقت از زمانی که درآمدهای نفتی در اقتصاد عمومی کشور تزریق و همراه با ترغیب شهرگرایی، سرمایه‌گذاری در اراضی شهری به نحوی شتابان شدت گرفت، مبنای رشد شهرها، علیرغم گسترش برنامه‌های شهری، ماهیتی برونزا به خود گرفت. تداوم این روند، گسترش بی‌تناسب شهرها را به همراه داشته که افزون بر بروز پدیده‌های منفی شهری همچون؛ حاشیه‌نشینی، فقر و بحران شهری، بر چشم‌انداز و کالبد عرصه‌های روستایی پیرامونی نیز تأثیرات دامنه‌داری برجای گذاشته است. بدین ترتیب تداوم روند بیرویه شهرگرایی، رشد و گسترش افقی شهرها، به ناچار پدیده‌های خزش، خوردگی و ادغام (الحاق) شهری را به ارمغان آورده است که خود زمینه‌ساز نابودی و تغییر نامتناسب کاربری‌های زمین، به ویژه در حوزه‌های پیرامونی شده است.

با افزایش روزافزون جمعیت شهرنشین در جهان و به دنبال آن بزرگ شدن شهرهای موجود، مدیریت شهری با چالش‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی روند توسعه و اداره مطلوب شهرها مواجه شده است. بنابراین امروزه مدیریت شهری عامل اصلی و تعیین کننده موفقیت شهرها شناخته می‌شود و هدف آن سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌هاست چرا که شهرها به عنوان یک سیستم و نظام اجتماعی پیچیده و متنوع نیازمند به مدیریت سازمان یافته‌ای (مدیریت شهری) برای تعیین و دستیابی به اهداف و هماهنگی فعالیت‌ها در ابعاد و عرصه‌های مختلف توسعه پایدار شهری هستند. شهر یاسوج نیز به عنوان محدوده مطالعاتی در این پژوهش یکی از شهرهایی است که طبق اطلاعات مرکز آمار ایران در طول دهه‌های گذشته به تبع سیاست‌های ملی، رشد سریع شهرنشینی را تجربه کرده و در نتیجه رشد جمعیت شهرنشین اراضی شهری به طور بیضابطه‌ای گسترش یافته است و به دنبال آن، روند تبدیل زمین‌های کشاورزی و روستایی پیرامون شهر به شدت ادامه یافته است و اثرات منفی و مثبت زیادی بر سکونتگاه‌های پیرامونی داشته است. با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش به بررسی نقش عملکردی مدیریت شهری از سه بعد تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و

سازماندهی، امور اجرایی و خدمات شهری در روند هدایت توسعه فضایی متوازن شهر یاسوج پرداخته شد و یافته‌های پژوهش نشان داد که وضعیت ابعاد و شاخص‌های عملکرد مدیریت شهری یاسوج که مورد تأیید قرار گرفته بودند به کمک آزمون میانگین مورد سنجش قرار گرفت و مقدار محاسبه شده میانگین با حد مبنا (۳) مورد مقایسه قرار گرفت. اگر اختلاف بین حد مبنا و مقدار محاسبه شده مثبت باشد به همان اندازه نیز اهمیت آن مؤلفه در بعد نیز افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. بر این اساس؛ از بین مؤلفه‌های بعد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، مؤلفه صادق بودن شهرداری با مردم در دادن اطلاعات و اخبار درست و آگاهی بخشی به آن‌ها در ارتباط با مسائل و سیاست‌های اداره شهر (۳/۳۱) دارای بیش‌ترین میانگین بود که نشان‌دهنده اهمیت کسب اعتماد عمومی در بحث فرآیندهای مدیریت شهری می‌باشد. این عامل می‌تواند با مشارکت مردم و دخالت دادن آن‌ها در بحث برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و حتی اجرا تحقق پیدا کند زیرا زمانی برنامه‌ها و سیاست‌های شهرداری به تأثیرگذاری حداکثر می‌رسند که شهروندان نیز از اهمیت آن‌ها اطلاعات کافی داشته و در اجرای آن از مرحله اول تا آخرین مرحله درگیر باشند در این صورت اثرگذاری این سیاست‌ها نیز بیش‌تر خواهد بود. در بعد برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری بالاترین میزان میانگین مربوط به مؤلفه مراجعه برای تنظیم شناسنامه به منظور تعیین وضعیت مقاومت ساختمان‌ها در برابر بحران‌های طبیعی نظیر زلزله (۳/۲۷) بود. با توجه به اهمیت بالای بحث آمادگی در برابر رخدادهای طبیعی به ویژه در چند سال اخیر سبب شده است تا این مؤلفه میانگین به نسبت بیش‌تری در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها داشته باشد. در بعد عملیاتی امور اجرایی و خدماتی مؤلفه ایجاد محل‌های مخصوص تخلیه زباله (۳/۳۴) بالاترین میانگین را در بین سایر مؤلفه‌ها دارا بود. این موضوع از این جهت حائز اهمیت می‌باشد که عدم دفع صحیح زباله‌ها و هم‌چنین افزایش آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از همین زباله‌ها سبب شده است که اهمیت این موضوع بیش از پیش افزایش یابد به طوری که این موضوع در حال حاضر فقط مربوط به شهر یاسوج نمی‌باشد بلکه این موضوع در تمام شهرهای کشور جزو موضوع چالشی شهرداری‌ها و برنامه‌ریزان شهری است. به طور کلی؛ وضعیت ابعاد برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری؛ و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری عملکردی مدیریت شهری به ترتیب ۳/۱۸ و ۳/۱ می‌باشد که این مقدار بالاتر از حد میانگین و در حد متوسط است. اما عملکرد مدیریت شهری شهر یاسوج در بعد امور اجرایی و خدماتی پایین‌تر از حد متوسط و به میزان ۲/۹۶ درصد است.

در نهایت؛ به منظور بالا بردن کارایی و عملکرد بهتر مدیریت شهری شهر یاسوج؛ تدوین و تصویب قوانین کارآمد نسبت به تغییر و یا تجدیدنظر در خصوص قوانین فعلی شهرداری‌ها؛ رفع موانع، مشکلات و محدودیت‌های اداری، مالی و اجرایی موجود بر سر راه مدیریت شهری؛

برقراری ارتباط شفاف و بی‌آلایش اعضای شورای اسلامی شهر با مردم به‌منظور شناسایی مسائل و مشکلات آنان؛ تقویت محله محوری و افزایش تعلق خاطر شهروندان و برخورداری از مشارکت‌های آنان در مسائل شهری، نیازسنجی و در اولویت قرار دادن نیازهای اساسی شهروندان در امر خدمات‌رسانی شهری؛ قراردادادن شهرداری در راس مدیریت یکپارچه هماهنگ شهری؛ واگذاری اختیارات و منابع مالی به دستگاه‌های محلی؛ اصلاح ساختار و تشکیلات دستگاه‌های اجرایی؛ تخصیص اعتبارات مطلوب و سهل الوصول برای بهبود و شرایط کالبدی شهر؛ شناساندن جایگاه مدیریت شهری و مشخص کردن جایگاه و مسئولیت‌های شهرداری به عنوان عنصر اجرایی در نظام مدیریت شهری؛ تصویب کلیه برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی دستگاه‌های دولتی در حوزه مسائل شهری در شورای شهری؛ اهمیت دادن به سلسله مراتب مدیریت شهری در عرصه‌های شهر، منطقه شهری، ناحیه شهری و محله و زیر محله شهری؛ برقراری ارتباط میان بخشی بین برنامه‌های مالی، اداری، فرهنگی و هنری، عمرانی، شهرسازی، مسکن، حمل و نقل، خدمات عمومی و زیربنایی و طراحی شهری؛ توزیع متناسب انواع خدمات در کل شهر جهت تحقق عدالت فضایی توسط مدیریت شهری؛ جلوگیری از گسترش بیش از حد شهر در پهنه و متراکم نمودن شهر؛ هدایت و کانالیزه نمودن فعالیت شرکت‌های تعاونی مسکن ادارات و سازمان‌های دولتی نسبت به خرید اراضی در داخل محدوده قانونی (منع خرید اراضی در خارج از محدوده) و جلوگیری از تفکیک زمین‌های مالکیت این قبیل شرکت‌ها توسط شورای شهرسازی و معماری استان؛ تکمیل و احداث خیابان‌های پیش بینی شده در طرح جامع به‌منظور جلوگیری از گسترش ناموزون بافت کالبدی در اراضی باز و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی؛ تعدیل در ضابطه تراکم ساختمانی در نواحی مختلف شهر به‌منظور متراکم نمودن نواحی و جلوگیری از رشد افقی شهر؛ تعیین محدوده شهرک‌های صنعتی با احداث کمربند سبز و پارک‌های جنگلی و مکان‌یابی شهرک‌های جدید؛ سامان دهی و تجمیع واحدهای مسکونی و خدماتی پراکنده در محورهای اصلی شهر از طریق توسعه پیوسته، منسجم رعایت سلسله مراتب کالبدی؛ جلوگیری از روند تمرکز گرایی شدید شهری از طریق توزیع صحیح اعتبارات استانی و اجرای عدالت اجتماعی؛ تقویت بعد کنترل و نظارتی شهرداری و سایر دستگاه‌های متولی امور شهری به‌منظور جلوگیری از ساخت و سازهای بی‌رویه و ناهماهنگ با کالبد شهر و غیره پیشنهاد می‌شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- اردشیری، ک.، یاری، ا. ۱۳۸۵. مدیریت واحد شهری، سیمای موجود و چشم‌انداز فرارو. شوراها، شماره ۲.
- ۲- انتظاری، ی. ۱۳۹۷. تحلیل تأثیر دانشگاه بر توسعه منطقه‌ای در ایران. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۴(۲): ۱-۲۵.
- ۳- براهویی، آ.، ابراهیم‌زاده‌آسمین، ح.، اسدی‌سروستانی، خ. ۱۴۰۰. بررسی جامعه‌شناختی تأثیر حاشیه‌نشینی بر مدیریت شهری (مطالعه موردی: ناحیه کریم‌آباد شهر زاهدان). مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۲(۲): ۲۵-۴۴.
- ۴- بیگ‌پور، م.، ولی‌شریعت‌پناهی، م.، فرجی‌راد، ع.ا. ۱۴۰۰. ارزیابی نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار گردشگری کلانشهر تهران. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳(۲): ۲-۲۳.
- ۵- حقی، ی.، گرمی‌نسب، ص. ۱۳۹۹. بررسی میزان رضایتمندی شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و شورای شهر (مطالعه موردی: شهر گرمی). جغرافیا و روابط انسانی، ۳(۳): ۱۲۹-۱۴۲.
- ۶- خاکپور، ب.ع.، شریف‌زاده‌ا قدم، ا.، شیخی، ع. ۱۳۹۷. ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری اجتماعی-فرهنگی محلات شهر پیرانشهر (با توجه به زیرگروه‌های جمعیتی). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۸(۲۸): ۱۳۳-۱۶۴.
- ۷- درویشی، م.ر.، قائدی، م.ر.، کشیشیان‌سیرکی، گ.، توحیدفام، م. ۱۳۹۹. تحلیلی بر توسعه پایدار شهری با تکیه بر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی (نمونه موردی: منطقه ۲ شهر تهران). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۰): ۲۰۱-۲۱۶.
- ۸- رخشان‌نسب، ح.ر.، کریمی، ط. ۱۳۹۸. سنجش میزان رضایت شهروندان از عملکرد شورای اسلامی شهرها (نمونه موردی: جیرفت). فصل‌نامه آمایش محیط، ۴۷: ۱-۱۲.
- ۹- رضایی، م. ۱۳۹۲. کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی فضای سبز شهری و نقش آن‌ها در توسعه پایدار. اقتصاد شهر، ۱۷: ۴۶-۵۶.
- ۱۰- رضویان، م.ت.، قادرمهرزی، ح.، علیان، م.، چراغی، ر. ۱۳۹۴. برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای. برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، ۱(۱): ۲۴-۴۸.
- ۱۱- زیاری، ک.ا.، یدالنه‌نیا، ه.، یدالنه‌نیا، ح. ۱۳۹۹. تحلیل عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر شهروندان (مطالعه موردی: شهر ساری). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۰): ۱-۱۶.

۱۲- سامی، ا.، شیر، و.، رضایی، ر.، مبارکی، ا. ۱۴۰۰. تحلیل فضایی آسیب‌های اجتماعی در بافت جدید و غیررسمی شهر مراغه. فصل‌نامه علمی-پژوهشی آمایش محیط، شماره ۶۹، تابستان ۱۴۰۰.

۱۳- سرایی، م.ح.، نوری، م. ۱۳۹۶. میزان گرایش شهروندان شهر نی‌ریز به مدیریت مشارکتی محلات با تأکید بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی. جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، ۱۵(۵۴): ۲۰۴-۲۱۵.

۱۴- صالحی‌زاده، م.ا.، اسدی، ل.، رادمحمدی، ف.، زینلی‌تختی، ط.، آرم، ش. ۱۴۰۰. جایگاه مدیریت شهری در رشد هوشمند شهری. پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، ۴(۲۹): ۱۳-۲۱.

۱۵- طالشی، م.، آقایی‌زاده، ا.، جعفری‌مهرآبادی، م. ۱۳۹۸. تحلیل ساختاری زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: بافت فرسوده منطقه یک شهر قزوین). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰(۳۹): ۱۱۷-۱۳۴.

۱۶- فیروزبخت، ع.، پرهیزکار، ا.، ربیعی‌فر، و.ا. ۱۳۹۱. راهبردهای ساختار زیست‌محیطی شهر با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر کرج). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۴(۸۰): ۲۱۳-۲۳۹.

۱۷- المرشدی، ح.ک.ب.، موسوی، م.، منوچهری، ا.، جمشیدی، ع. ۱۴۰۳. پراکنده‌رویی شهری و ارزیابی وضعیت زیست‌پذیری شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری دیوانیه، کشور عراق). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۳(۵۲).

۱۸- وارثی، ح.ر.، رجایی‌جزین، ع.، قنبری، م. ۱۳۹۱. تحلیلی بر عوامل خزش شهری و رشد فیزیکی شهر گناباد با استفاده از مدل‌های انتروپی و هلدرن. آمایش سرزمین، ۴(۶): ۷۹-۱۰۰.

- 19-Barua, P., & Rahman, S.H. 2021. Urban management in Bangladesh (Rules and Regulations).
- 20-Begum, A., & Hasan, S. 2017. Urban local governance in Bangladesh: Practice and problems of personal administration. Asian Profile, 45(5): 400-420.
- 21-Ghosh, J. 2014. The challenges of urbanisation may be even greater in smaller towns. City, 45(5): 50-65.
- 22-Hardi, T., Farkas, J.Z., & Kovacs, A.D. 2021. Land use management as a challenge for local governance. International Conference New Challenges of Local Governance in Times of Uncertainty and

- Complexity, Adam Mickiewicz University, Poznań, Poland, 23–24 June 2021.
- 23- Hegazy, I.R., Helmi, M.R., & Qurnfulah, E.M. 2021. Assessment of urban growth of Jeddah: Towards a liveable urban management. *International Journal of Low-Carbon Technologies*, 1-10.
- 24- Medeiros, E., & Zwet, A.V.D. 2020. Sustainable and integrated urban planning and governance in metropolitan and medium-sized cities. *Journal of Sustainability*, 12: 1-19.
- 25- Porio, E. 2014. Sustainable development goals and quality of life targets: Insights from Metro Manila. *Current Sociology*, 63(2): 244–260.
- 26- Reinartz, W.J., Haenlein, M., & Henseler, J. 2010. An empirical comparison of the efficacy of covariance-based and variance-based SEM. *International Journal of Market Research*, 26(4): 332-344.
- 27- UN-Habitat. 2016. Urbanization and development: Emerging futures.
- 28- WenWu, S. 2010. Linking Bayesian networks and PLS path modeling for causal analysis. *Expert Systems with Applications*, 37: 134–139.
- 29- Wezel, A., Brives, H., Casagrande, M., Clément, C., Dufour, A., & Vandenbroucke, P. 2016. Agroecology territories: Places for sustainable agricultural and food systems and biodiversity conservation. *Agroecology and Sustainable Food Systems*, 40(2): 132-144.
- 30- Wu, H., Gui, Z., & Yang, Z. 2020. Geospatial big data for urban planning and urban management. *Journal of Geospatial Information Science*, 23(4): 273-274.
- 31- Zhao, P. 2010. Sustainable urban expansion and transportation in a growing megacity: Consequences of urban sprawl for mobility on the urban fringe of Beijing. *Habitat International*, 34(2): 236–243.